

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۱
مقدمه	۲
۱- بیان مسئله	۲
۲- اهمیت پژوهش	۲
۳- اهداف پژوهش	۲
۴- سؤالات پژوهش	۲
۵- فرضیه‌های پژوهش	۲
۶- پیشینه تحقیق	۲
۷- روش تحقیق	۴

## فصل اول: کلیات و تعاریف

۱- محترمت (حرمت)	۶
۱-۱- در لغت	۶
۲-۱- در اصطلاح	۷
۱-۲-۱- در تفاسیر	۷
۲-۲-۱- در فقه	۹
۳-۱- انواع محترمت	۱۱
۲- شعائر	۱۳
۱-۲- در لغت	۱۳
۲-۲- در اصطلاح	۱۴
۱-۲-۲- در تفاسیر	۱۴
۲-۲-۲- در فقه	۱۶
فرق محترمت با شعائر	۱۷
۳- تعظیم	۱۷
۱-۳- در لغت	۱۷
۲-۳- در اصطلاح	۱۸
۱-۲-۳- در تفاسیر	۱۸
۲-۲-۳- در فقه	۱۹
۳-۳- اقسام تعظیم	۱۹

- ۴- اهانت و توهین ..... ۲۰
- ۴-۱- در لغت ..... ۲۰
- ۴-۲- در اصطلاح ..... ۲۱
- ۴-۳- موارد تحقق اهانت ..... ۲۱

## فصل دوم: مصادیق محترمت

- بخش اول: اقسام مصادیق محترمت ..... ۲۴
- ۱- اشخاص محترم ..... ۲۴
- ۱-۱- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ..... ۲۴
- ۱-۱-۱- لزوم احترام به رسول خدا(ص) در قرآن ..... ۲۵
- ۱-۱-۲- لزوم احترام به رسول خدا(ص) در روایات ..... ۳۰
- ۲-۱- ائمه معصومین(علیهم السّلام) و حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) ..... ۳۴
- ۱-۲-۱- لزوم احترام به معصومین(ع) در قرآن ..... ۳۵
- ۲-۲-۱- لزوم احترام به معصومین(ع) در روایات ..... ۳۹
- ۳-۲-۱- احترام به معصومین(علیهم السلام) در فقه ..... ۴۵
- ۳-۱- علماء دین ..... ۴۶
- ۱-۳-۱- لزوم احترام به علما در قرآن ..... ۴۶
- ۲-۳-۱- لزوم احترام به علما در روایات ..... ۴۶
- ۴-۱- شهدا ..... ۴۸
- ۱-۴-۱- لزوم احترام به شهدا در قرآن ..... ۴۸
- ۲-۴-۱- لزوم احترام به شهدا در روایات ..... ۴۸
- ۳-۴-۱- احترام به شهدا در فقه ..... ۴۹
- ۵-۱- مؤمن ..... ۴۹
- ۱-۵-۱- لزوم احترام به مؤمن در قرآن ..... ۵۰
- ۲-۵-۱- لزوم احترام به مؤمن در روایات ..... ۵۲
- ۳-۵-۱- احترام به مؤمن در فقه ..... ۵۵
- ۲- اشیاء محترم ..... ۵۹
- ۱-۲- قرآن ..... ۵۹
- ۱-۱-۲- لزوم احترام به قرآن در قرآن ..... ۶۰
- ۲-۱-۲- لزوم احترام به قرآن در روایات ..... ۶۳

۶۵	..... ۲-۱-۳- احترام به قرآن در فقه
۶۷	..... ۲-۲- کتب محترم
۶۸	..... ۲-۳- طعام
۶۸	..... ۲-۳-۱- لزوم احترام به طعام در روایات
۶۹	..... ۲-۳-۲- احترام به طعام در فقه
۷۰	..... ۳- مکان های محترم
۷۰	..... ۳-۱- کعبه و حرم آن
۷۱	..... ۳-۱-۱- لزوم احترام به کعبه در قرآن
۷۲	..... ۳-۱-۲- لزوم احترام به کعبه در روایات
۷۴	..... ۳-۱-۳- احترام به کعبه و حرم آن در فقه
۷۵	..... ۳-۲- مساجد
۷۶	..... ۳-۲-۱- لزوم احترام به مساجد در قرآن
۷۸	..... ۳-۲-۲- لزوم احترام به مساجد در روایات
۸۱	..... ۳-۲-۳- احترام به مساجد در فقه
۸۳	..... ۳-۳- مشاهد مشرفه و ضرایح مقدسه
۸۳	..... ۳-۳-۱- لزوم احترام به مشاهد مشرفه در روایات
۸۵	..... ۳-۳-۲- احترام به مشاهد مشرفه در فقه
۸۷	..... ۴- زمان های محترم
۸۷	..... ۴-۱- ماه رمضان
۸۷	..... ۴-۱-۱- لزوم احترام به ماه رمضان در قرآن
۸۸	..... ۴-۱-۲- لزوم احترام به ماه رمضان در روایات
۸۹	..... ۴-۲- عید غدیر
۹۰	..... ۴-۳- روز نهم ربیع الاول
۹۱	..... ۴-۴- احترام به زمان های محترم در فقه
۹۲	..... بخش دوم: ادله لزوم احترام به محترمت
۹۲	..... ۱- کتاب
۹۵	..... ۲- سنت
۹۶	..... ۳- اجماع
۹۶	..... ۴- عقل
۹۷	..... ۵- سیره متشرعه

۹۷	بخش سوم: بررسی مسائل مستحدثه.....
۹۸	۱-مسئله اول.....
۹۹	۲- مسئله دوم.....
۱۰۰	۳- مسئله سوم .....
۱۰۱	۴- مسئله چهارم .....

## فصل سوم: بررسی حقوقی لزوم احترام به محترمان

۱۰۴	مقدمه .....
۱۰۴	۱-تعریف توهین.....
۱۰۵	۲-اقسام توهین .....
۱۰۵	۳-ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی .....
۱۰۵	۳-۱- عنصر مادی .....
۱۰۶	۳-۲- موضوع جرم .....
۱۰۷	۳-۳- عنصر معنوی .....
۱۰۸	۳-۴- ارتکاب جرم از طریق مطبوعات .....
۱۰۸	۳-۵-نقد ماده .....
۱۰۹	۴- ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی .....
۱۰۹	۴-۱- عنصر مادی .....
۱۰۹	۴-۲- عنصر معنوی .....
۱۰۹	۴-۳- ارتکاب جرم از طریق مطبوعات .....
۱۰۹	۴-۴-نقد ماده .....
۱۱۱	نتیجه گیری.....
۱۱۲	فهرست منابع.....

## پیشگفتار

هر شریعت و مذهبی که تاکنون وضع شده است، چه آسمانی و چه غیر آن دارای ارکان و اجزایی است که از طرف واضع آن محترم و مقدس انگاشته شده است، و پیروان آنها مکلف به حفظ و رعایت این امور هستند. و حتی گاه در برخی از ادیان، سایرین نیز موظف به حفظ حرمت آنها هستند و در صورت بی حرمتی به آنها مجازات خواهند شد.

دین مبین اسلام که کامل ترین ادیان است نیز چنین ویژگی ای را دارد، و دارای محترمت فراوانی است که از ناحیه پروردگار و رهبران گرامی آن به ما معرفی شده اند، و باید پاس داشته شوند.

در دنیای امروز که با پیشرفت تکنولوژی و شیوه های گوناگون و جدید ارتباطات همراه و مواجه هستیم اگر قوانین، ضوابط و محدوده خاصی جهت حفظ حرمت و لزوم احترام به مقدسات دینی با توجه به آنچه در شریعت ناب اسلام آمده وضع نشود، مهار رفتارهای توهین آمیز و هتاکانه برخی افراد و رسانه ممکن نخواهد بود.

این رساله در پی آن است ضمن روشن کردن برخی از ابهامات موجود در زمینه محترمت ضوابطی را در مورد احترام به مقدسات و محترمت دینی ارائه کند.

## مقدمه

### ۱- بیان مسئله

احترام به محترمان و مقدسات دینی امر پذیرفته شده است که در همه ادیان و مذاهب وجود دارد بدین معنی که پیروان آن ادیان مکلف و موظف به ادای احترام و حفظ حرمت اموری هستند که از سوی شارعان آنها محترم شمرده شده اند. مسلماً چنین مسئله ای در دین مبین اسلام که بهترین و کامل ترین ادیان است از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در روزگار کنونی با پیشرفت تکنولوژی و فراگیر شدن وسائل ارتباط جمعی و رسانه‌ها و موج‌های جدید اسلام ستیزی موجود در جهان هر از چندی شاهد اهانت فرد یا گروهی در غالب کاریکاتور، کتاب، فیلم و سایر رسانه‌های تصویری و نوشتاری و گاه در قالب افعال شنیعی که توسط افراد انجام شده و از سوی رسانه‌ها مورد تایید قرار می‌گیرد، هستیم، که به گونه‌ای به یکی از مقدسات اسلام بی حرمتی و اهانت می‌شود. متأسفانه این بی حرمتی‌ها در درون کشور نیز مشاهده می‌شود و گاهی برخی از متدینان دیگران را به بی حرمتی یا اهانت به محترمان متهم می‌سازند و آنان نیز منکر این بی حرمتی‌ها هستند. از این رو بررسی فقهی لزوم احترام به محترمان می‌تواند از یک سو با تعریف جامع و دقیقی از آن، حیطه و محدوده محترمان دینی را برای ما مشخص کند و از سوی دیگر ضمن معرفی محترمان، وظیفه مکلفین نسبت به آنها را بیان نماید، و بررسی حقوقی این مسئله اقدامات قانون گذار در این راستا و ضمانت اجرایی را که برای آن وضع کرده است را به ما می‌شناساند.

## ۲- اهمیت پژوهش

در دنیای امروز که دانش ارتباطات پیشرفت فراوانی کرده و رسانه‌ها به یکی از مهمترین و مؤثرترین ابزار زندگی فردی و اجتماعی تبدیل شده اند، کاوش درباره لزوم احترام به محترمان می‌تواند به کسانی که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند در شناخت هر چه بیشتر محترمان و مقدسات دین و تعیین مرزهای آنها یاری رساند و ضمن شناساندن ابعاد مختلف احترام، تاکید فراوان بزرگان دین برای امر را به آنان گوشزد کند.

## ۳- اهداف پژوهش

نمایاندن قدرت پاسخگویی و تبیین کارآمدی مبانی و قواعد فقهی به مسائل نوپیدا و مستحدثه مهمترین هدفی است که در این رساله دنبال می‌شود.

## ۴- سؤالات پژوهش

- ۱- تعظیم و احترام چیست و آیا همه ی انواع و مراتب آن واجب است؟
- ۲- اهانت چیست و آیا تحقق آن منوط به وجود قصد است؟
- ۳- محترمان و مقدساتی که احترام به آنها واجب است کدامند؟

## ۵- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- در تشخیص مفهوم احترام و اهانت عرف مرجعیت دارد و در پاره‌ای از موارد بر طبق آن قصد معتبر است.
- ۲- همه معالم و نشانه‌های دین و مقدسات از محترمان دین هستند (که تفصیل آن در پایان نامه خواهد آمد)

## ۶- پیشینه تحقیق

بسیاری از فقهای عظام به مصادیق گوناگون این موضوع در بخش‌های مختلف فقهی اشاره کرده اند، جناب محقق حلی در کتاب المعتمر، علامه حلی در کتاب‌های مختلف الشیعه، تذکره الفقهاء، تحریر الاحکام، منتهی المطلب و غایة المرام،

شهید ثانی در مسالک الافهام؛ کاشف الغطاء در کشف الغطاء و ... به مصادیق این مسئله اشاره کرده‌اند اما نخستین بار جناب نراقی در قالب قاعده وجوب تعظیم شعائر و پس از آن میرفتاح حسینی در العناوین و مرحوم بجنوردی در القواعد الفقہیہ به این امر پرداختند. اما همچنان زوایای مختلف این موضوع در پرده ابهام است و نیازمند پژوهش‌های جدی است.

## **۷- روش تحقیق**

روش تحقیق در این پایان‌نامه، به صورت توصیفی و تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و نقلی و استدلالی بوده است، به این صورت که ابتدا کتاب‌های معتبر و مرتبط با موضوع، شناسایی شده و پس از مطالعه به ترجمه مطالب، فیش‌برداری و نوشتن مطالب، اقدام نموده و در پایان با درک مطالب و تحلیل آنها و تنظیم فیش‌ها، متن اصلی آماده و تنظیم گردیده است.



# فصل اول:

## کلیات و تعاریف

پیش از ورود به بحث لازم است معانی واژه‌ها و کلمات کلیدی که در این رساله وجود دارد تبیین گردد از این رو در این فصل به طور مفصل به بیان آنها می پردازیم.

## ۱- محرمات (حرمت):

معانی موجود برای این واژه را باید در جاهای متفاوتی جست که در ادامه خواهند آمد.

### ۱-۱- در لغت

محرمات جمع محترم و در لغت به معنی احترام شده، مورد تکریم، حرمت شده، قابل احترام، حرمت دارنده، احترام کننده<sup>۱</sup>، باحرمت، مورد تکریم و احترام، حرمت داشته شده، پاک، مقدس و عزیز<sup>۲</sup>، حرمت داشته، گرامی و کسی که احترام او لازم می باشد<sup>۳</sup> است. اما در زبان عربی بیشتر معنی ریشه این کلمه که حرمه (بضم حاء و را) می باشد، بیان شده است که از جمله آنها عبارتند از: آنچه را خداوند حرام کرده است اعم از ترک واجبات و انجام محرمات<sup>۴</sup>، آنچه هتک حلال نیست<sup>۵</sup>، آنچه قیام به آن واجب و تفریط در آن حرام است، حرمت مکه و

---

۱- فرهنگ معین، ذیل «محترم»

۲- لغت نامه دهخدا، ذیل «محترم»؛ سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، چاپ سوم، (تهران: مؤسسه آرایه، ۱۳۷۹)، ج ۹، ص ۱۳۳

۳- فرهنگ عمید، ذیل «محترم»

۴- مجمع البحرین، ذیل «محترم»

۵- لسان العرب، ذیل «حرمة»؛ تهذیب اللغة، ذیل «حرمة»؛ تاج العروس، ذیل «حرمة»

حج وعمره و هرآنچه از معاصی که پروردگار نهی کرده فرموده است، معاصی پروردگار<sup>۱</sup>، مراد از محرمات حج، مسجدالحرام، کعبه و غیر آنها است که بزرگ داشتن آنان سبب خیر است و می شود گفت که حرمت اعم از اینهاست.<sup>۲</sup>

از آنچه که در بالا ذکر شد در می یابیم که بیشتر معانی لغوی مذکور تحت تأثیر دین قرار گرفته اند و به گونه ای با معانی اصطلاحی در آمیخته اند.

## ۱-۲- در اصطلاح

باتوجه به این که واژه قرآنی است علاوه بر معنای اصطلاحی آن در فقه معنای آن در تفاسیر نیز باید ملاحظه گردد.

### ۱-۲-۱- در تفاسیر

در تفاسیر نیز معانی متعددی برای این واژه ذکر شده است که تعدادی از آنها عبارتند از:

- آنچه که از لحاظ شرع دارای احترام است و مراد از آنها همه تکالیف دینی از قبیل

مناسک حج و غیر آن می باشد<sup>۳</sup>؛

- همه مناسک و اعمال حج<sup>۴</sup>؛

- مراد همه محرمات<sup>۵</sup> است یا هر آنچه را که خداوند حرام کرده که از جمله آنها

چیزهایی است که در حج نهی شده مثل جدال، جماع، فسق و صید<sup>۶</sup>؛

- فرائض و سنت های پروردگار<sup>۷</sup>؛

---

۱- تهذیب اللغة، ذیل «حرمة»؛ تاج العروس، ذیل «حرمة»

۲- قاموس قرآن، ذیل «حرمة»

۳- شهاب الدین آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، (بیروت، دارالفکر، ابي تال)، ج ۹، ص ۱۴۷؛ احمد مصطفی مراغی، تفسیر مراغی، چاپ سوم، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۴ هـ.ق)، ج ۱۶، ص ۱۱۴

۴- حسین احمد حسینی، تفسیر اثنی عشری، (ابی جا): چاپ فراهانی، ۱۳۷۸ هـ.ق، ج ۲، ص ۵۵۰؛ ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ بیستم، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹)، ج ۱۴، ص ۸۹

۵- جمال الدین ابوالفتوح رازی، تفسیر روح الجنان و روح الجنان، (تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۵ ق)، ج ۸، ص ۹۱-۹۰

۶- وهبه زحیلی، التفسیر المنیر، چاپ اول، (بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱)، ج ۱۷، ص ۲۰۶

۷- محمدبن احمد قرطبی، جامع الاحکام القرآن، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵)، ج ۶، ص ۳۷

- احکام خدا که هتک حرمت آن روا نیست<sup>۱</sup> و باید برای انجام آن به پا خاست ؛
- هر آنچه از آن نهی و از وقوع در آن و انجام آن منع شده است<sup>۲</sup>؛
- هر چیزی که هتک آن حرام است مانند مناسک حج، امر به معروف، زمان و مکان محترم و غیر آنها یا مانند حرمین، ماه های حرام، روزهای متبرک شرایع الهی، کتب آسمانی، اخبار نبوی ...، مشاهد مشرفه، مؤمن<sup>۳</sup>؛
- چیزی که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است ؛ حرمت الله یعنی حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظفند آنها را رعایت کنند<sup>۴</sup>؛
- همه آنچه را که خداوند احترام کرده است و حرام نموده بر کسی که حرمت آن را بشکنند، حرمت از لحاظ اعتقادی و عملی واجب الاحترام هستند<sup>۵</sup>؛
- آنچه هتکش روا نیست و هر آنچه را که خداوند بر بندگان واجب کرده و دارای این صفت (حلال نبودن هتکشان) می باشند خواه از مناسک حج باشد یا نه، که این مورد را می توان عام و شامل تمام واجبات و همچنین خاص و شامل اعمال حج بدانیم<sup>۶</sup>؛
- آنچه احترامش واجب است<sup>۷</sup>؛
- مهابه (بزرگی ای هیبت آور که موجب ترس و نهایتاً سبب فرمانبرداری می شود)، آنچه که هتک آن حلال نیست بلکه حفظ هیبت و احترام آن واجب است<sup>۸</sup>؛

۱- سید عبد الحجة بلاغی، *حجة التفاسیر*، (قم: چاپخانه قم، ۱۳۴۵ ق)، ج ۳-۵، ص ۲۱۸؛ حسین احمد حسینی، ج ۲، ص ۵۵۰؛ وهبه زحیلی، ج ۱۷، ص ۲۰۴

۲- فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، (تهران: مکتبه العلمیه اسلامیة، ابي تا)، ج ۷، ص ۸۳

۳- همان؛ محمد بن حسن طوسی، *التبیین فی تفسیر القرآن*، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ابي تا)، ج ۷، ص ۳۱۱؛ سلطان محمد گنابادی، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، (مترجمین: محمد آقا رضاخانی و حشمت الله ریاضی) چاپ اول، (ابی جا): نشر سر الاسرار، ۱۳۷۹ ش)، ج ۱۰، ص ۸۷؛ خطیب شربینی، *تفسیر سراج المنیر*، چاپ دوم، (بیروت: دار المعرفة، ابي تا)، ج ۲، ص ۵۵۱-۵۵۰؛ علی محمد علی دخیل، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، چاپ اول، (بیروت: دارالمرتضی، ۱۴۱۴ هـ ق)، ج ۸، ص ۴

۴- اکبر هاشمی رفسنجانی، *تفسیر راهنما*، چاپ اول، (قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ هـ ش)، ج ۱۱، ص ۵۶۸

۵- محمد صادقی، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، (قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش)، ج ۱۷، ص ۸۹

۶- فضل بن حسن طبرسی، *تفسیر جامع الجوامع*، (تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱)، ج ۴، ص ۲۰۵؛ احمد بن محمد اردبیلی، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، چاپ اول، (تهران: المکتبه الجعفریة لاهیاء الآثار الجعفریة، ابي تا)؛ محمود زمخشری خوارزمی، *الکشاف*، (تهران: نشر آفتاب، ابي تا)، ج ۱۳، ص ۱۲؛ ابن عادل دمشقی حنبلی، *اللباب فی علوم الكتاب*، چاپ اول، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹)، ج ۱۴، ص ۷۹

۷- محمد بن طاهر ابن آشوب، *التحریر و التنویر*، (ابی جا): دار التوسیة المنشر، ابي تا)، ج ۱۷، ص ۱۸۳

۸- حسن مصطفوی، *تفسیر روشن*، چاپ اول، (تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰)، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۳

- ابن زید می گوید که حرمت خدا پنج تایند: مشعرالحرام، مسجدالحرام، بیت الحرام، شهر الحرام و بلدالحرام؛<sup>۱</sup>

- در برخی تفاسیر در بیان واژه حرمت حدیثی از امام موسی بن جعفر(ع) بیان شده است که می فرمایند: حرمتی که واجباند سه قسمند پس کسی که حرمت آنها را قطع کند نسبت به خدا شرک ورزیده است ۱- هتک حرمت پروردگار در بیت الله الحرام؛ ۲- هتک حرمت کتاب خدا در تعطیل کردن و عمل به غیر آن؛ ۳- هتک حرمت کسانی که خداوند طاعت و مودتشان را واجب کرده است.<sup>۲</sup>

البته به نظر اکثر مفسرین مراد از حرمت، مناسک حج است به دلالت آنچه در آیات متصل به آن آمده است.

#### ۱-۲-۲- در فقه

قبل از هرچیز لازم است به دامنه وسیع و ابعاد گوناگون احترام در فقه به طور خلاصه اشاره کنیم و سپس معانی مورد نظر خود را در فقه پیرامون آن بیان نماییم:

از واژه محترم در برخی ابواب فقه مانند عبادات و عقود و احکام سخن رفته است و عناوینی مانند نفس محترم، عرض محترم، مال محترم، عمل محترم، دم محترم، حیوان محترم، ناظر محترم، مطعوم محترم و ... بیان شده است. آنها را به این صورت می توان معرفی کرد:

۱- انسان محترم: احترام در مورد انسان یا ذاتی است یا عرضی؛ شخص محترم اصلی یا ذاتی بواسطه ایمان آوردن به اسلام دارای این گونه احترام است. احترام در محترم عرضی هم بواسطه عقود ذمه، امان، هدنه (آتش بس) و صلح بوجود می آید.

در انسانهای محترم جان و عرض (آبرو) و مالشان هم محترم است، بدین معنی که تعرض به آنها حرام می باشد.

۲- حیوان محترم: حیواناتی که انسان برای سواری، بارکشی و خوردن و نگهداری از آنها استفاده می کند محترم هستند و حقوقی بر صاحبانشان دارند از جمله آب و علف دادن به آنها

---

۱- ابو الفضل رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، چاپ ششم، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶)، ج ۶، ص ۳۶۴ و ۳۶۵  
۲- میرزا محمد مشهدی قمی، کنز الدقایق، چاپ اول، (قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲)، ج ۶، ص ۵۰۷؛ سید عبد الحسین طیب، اطیب البیان، چاپ دوم، (تهران: کتابفروشی اسلام، آبی تا)، ج ۹، ص ۲۹۵



- مقصود آن چیزهایی است که احترامشان در شرع ثابت شده است و هر آنچه که تعظیمش از شعائر الله تعالی می باشد.<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه معانی لغوی ذکر شده تقریباً همان معانی ای است که در اصطلاح بیان شده است شاید بتوان گفت که لغت شناسان واژه را تحت تأثیر شرع معنا نموده اند، و نزدیک ترین معانی مذکور به آنچه ما در این تحقیق به آن خواهیم پرداخت آنهایی است که بر لسان فقها جاری شده است.

### ۱-۳- انواع محترمت

محترمت انواع متعدد و متنوعی دارد و همان طور که مراتب محترم بودن نسبی و تشکیکی است، مرحوم کاشف الغطاء "قدس سره" در بخش طهارت در بیان مواردی که طهارت جستن به وسیله آنها حرام است محترمت را نام برده و اقسام آن را این گونه ذکر می کند:

۱- محترمتی که طهارت جستن بوسیله آنها کفر را به دنبال دارد، پس لازمه‌ی آن عدم تطهیر است مانند طهارت کردن به وسیله سنگ کعبه و پرده آن و نوشته قرآن و نام‌های پروردگار و صفاتی که به او که نسبت داده می شود اگرچه مختص به او نیست، و نام‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کتاب‌های پیامبران و نام‌های آنان، پارچه‌هایی که بر آنها نام‌های خدا نوشته است، و آبی که مثلاً به قصد شفا با آن غسل می‌شود و آب زمزم به قصد اهانت، و طهارت نمودن با دستی که در آن انگشتری است و بر آن چیزی از محترمت اسلام قرار دارد با قصد اهانت. احتمال داه می‌شود که کتاب‌های احادیث و زیارت‌ها و دعاها و مانند آنها و نام‌های ائمه (علیهم السلام) و تربت امام حسین (علیه السلام) و اجزاء آن و اجزاء پرده‌های مشاهد آنان و لوسترها و چیزهایی از این قبیل در صورتی که همراه با قصد اهانت باشد به این مورد ملحق شوند یعنی استنجاء با آنها منجر به کفر شود.

احترام محترم، با نجس شدن آن از بین نمی‌رود. و اگر شخص مضطر به طهارت کردن شد و امر میان مال مغضوب، محترم، فضولات ستوران سم دار و استخوان دائر شد، دو مورد

۱- محمدتقی آملی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، چاپ اول، (آبی جا): چاپخانه مصطفوی، ۱۳۸۱ هـ.ق، ج ۳، ص ۵۴

اخیر مقدّم می‌شوند و اما اگر امر دائر میان دو مورد اول شود در صورتی که محترم دارای حرمت شدید باشد مغضوب مقدّم می‌شود نه وقتی که حرمتش ضعیف باشد.

۲- محترماتی که طهارت کردن با آنها عصیان و گناه را در پی دارد اما سبب کفر نمی‌شود، مانند کسی که با چیزی از محترمت به قصد تبرک یا طلب شفا یا بدون قصد یعنی بدون قصد اهانت طهارت کند. و ظاهر امر این است که این حکم نسبت به صحابه بزرگ و شهدای بزرگ، مانند حضرت عباس (علیه السلام) و بقیه‌ی شهدای کربلا تسری می‌یابد البته جایی که منظور طلب شفا و مانند آن نباشد.

۳- محترماتی که طهارت کردن با آنها عصیان و گناه را به دنبال ندارد و در زمره مکروهات است مانند آنچه از قبور مؤمنین و یا اطراف آن برداشته می‌شود و آنچه برای تبرک از لباس علما و صلحا و سادات گرفته می‌شود و حکم در صورتی جاری می‌شود که مستلزم برخورد یا آلودگی با نجاست یا عدم آن دو باشد اگرچه که کراهت در آن دو شدیدتر است و این حکم در تطهیر و پاک کردن از سایر نجاسات هم جاری می‌شود. حکم (عدم جواز استنجاء) حصول وصف احترام و عدم لزوم حرج را در پی دارد، بنابراین حرمتی برای آشغالی به بیابان ریخته می‌شود وجود ندارد بر خلاف آن چیزهایی که از خاک برای تبرک یا شفا گرفتن یا به قصد عبادت و بندگی با استعمال آن برداشته شده اند. مانند تربت امام حسین (علیه السلام) یا امام رضا (علیه السلام) یا غیر آن دو که برای سجده کردن بر آن یا تسبیح نمودن به وسیله آن برداشته شده است و لازم به ذکر است که حرمت با از بین رفتن شیء محترم در دستشویی یا در آب، چیزهایی غیر از آن دو منتفی می‌شود، و مانعی از طهارت کردن با زمین کربلا و مانند آن و قسمت‌هایی از آن، و قسمت‌هایی از هر یک از حرمین و غیر آن دو در محل آنها وجود ندارد زیرا موجب حرج می‌گردد و چه بسا آن چیزهایی که از ظرف‌ها برای استفاده نه به قصد شفا خارج می‌شود به آن ملحق شوند، پس محترمت دایر میان چیزهایی که ذاتاً محترم‌اند و چیزهایی که به اعتبار جهات قصد به آن محترم هستند، می‌باشد پس (در نوع دوم) احترام با



قصد مرتفع می‌شود مانند زباله‌های اماکن محترم و چیزهایی که از ساختمان آن قابل نقل هستند مثل خاک و وسایل آن.<sup>۱</sup>

## ۲- شعائر

### ۲-۱- در لغت

شعائر جمع شعیره به معنی عبرتها، علامت‌ها، نشانه‌ها و آداب و رسوم ملی و مذهبی<sup>۲</sup> آمده و از شعائر اسلام به هرآنچه که اسلام بدان استوار است تعبیر شده و نیز شعائر مذهبی به مراسم و آئین‌های مذهبی<sup>۳</sup>. اما در کتب لغت عربی این واژه اغلب رنگ و بوی دینی به خود گرفته و این گونه معناهایی برای آن ذکر شده است: نشانه‌های طاعت، عبادت و متعبدات پروردگار<sup>۴</sup>، حرمت و حدود الهی، و شعائر رابر نشانه‌ها نیز حمل کرده‌اند به معنای نشانه‌های حدود الهی و امر و نهی، واجبات الهی و مناسک حج<sup>۵</sup>، همچنین عبارت است از علامت‌هایی که برای تمایز و تفاوت بین حلّ و حرم نصب شده و پروردگار متعال تجاوز از آنها را نهی کرده<sup>۶</sup>، نشانه؛ بنا براین در آیه ۱۵۸ سوره بقره شعائر به معنی محل‌های معلوم و نشانه‌داری است که خدا آنها را محل عبادت قرار داده و هر محل معین برای عبادت، مشعر آن عبادت است<sup>۷</sup>. عبادات، علامت‌ها، آثار و اعمال حج و هر آنچه که نشانه‌ای برای طاعت پروردگار است مثل وقوف، طواف و سعی و رمی و ذبح، همه عبادات خداوند، که آنها را نشانه‌دار کرده یعنی برای ما علامت قرار داده است از قبیل محل وقوف، سعی و ذبح... هر نشانه‌ای از آنچه بوسیله آن بندگی می‌شود<sup>۸</sup>، آنچه شرع به آن فرا خوانده و به قیام به آن امر نموده است. بدنه: حیوان قربانی<sup>۹</sup>، علامت که از واژه اشعار به معنی اعلام گرفته شده است<sup>۱۰</sup>.

۱ - جعفر بن خضر مالکی نجفی (کاشف الغطاء)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء، چاپ اول، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ هـ.ق)، ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۸

۲- لغت نامه دهخدا، ذیل «شعائر»؛ فرهنگ عمید، ذیل «شعائر»

۳- لغت نامه دهخدا، ذیل «شعائر»

۴- معجم مقاییس اللغة، ذیل «شعر»؛ مجمع البحرین، ذیل «شعر»

۵- تهذیب اللغة، ذیل «شعر»؛ العین، ذیل «شعر»

۶- مجمع البحرین، ذیل «شعر»

۷- قاموس قرآن، ذیل «شعر»؛ سید مصطفی حسینی دشتی، ج ۶، ص ۴۹۱

۸- لسان العرب، ذیل «شعر»

۹- معجم الوسیط، ذیل «شعر»

۱۰- موسوعة الفقهیة، ذیل «شعر»

همان طور که در بالا ذکر شد این معانی اغلب بیان معنی شعائر الله هستند نه شعائر.

## ۲-۲- در اصطلاح

برای معنی اصطلاحی این واژه نیز مانند واژه قبل باید از دو دسته منابع فقهی و تفسیری بهره برد.

## ۲-۲-۱- در تفاسیر

واژه شعائر چهار مرتبه در قرآن مجید ذکر شده است از این رو به راحتی می توان در تفاسیر معانی متعددی برای آن پیدا کرد که مهمترین آنها عبارتند از :

- شتر قربانی<sup>۱</sup>؛

زمخشری: شتر قربانی یکی از نشانه های حج است<sup>۲</sup>، و از نشانه های طاعت و هدایت پروردگار متعال می باشد<sup>۳</sup>؛

مجاهد و ابن عباس: شتر اشعار کرده می باشد که کارد در کوهان او زده باشند و همراه خود بیاورند<sup>۴</sup>؛

- سیبویه: به معنی علامت است و مناسک حج را بدان دلیل شعائر گویند که به آن اشعار و اعلام کرده اند<sup>۵</sup>؛

\_ نشانه های برجسته دین خدا<sup>۶</sup> و امور مرتبط به خدا<sup>۷</sup>؛

- علامت های دین خدا و نشانه هایی که برای طاعتش نصب<sup>۸</sup> و آنها را تشریح نموده است<sup>۹</sup>؛

---

۱- احمد مصطفی مراغی، ج ۱۶، ص ۱۰۸ و ۱۰۹؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البحرین، ج ۷، ص ۸۳؛ خطیب شربینی، ج ۲، ص ۵۵۲

۲- محمود زمخشری، ج ۴، ص ۱۳؛ ابن عجبیه حسنی، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، چاپ دوم، (بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۵م)، ج ۴، ص ۴۱۳

۳- شهاب الدین آلوسی، ج ۹، ص ۱۵۰

۴- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۷، ص ۸۳

۵- جمال الدین ابو الفتح رازی، ج ۸، ص ۹۳

۶- سید عبد الحجة بلاغی، ج ۵-۳، ص ۲۱۹

۷- سید محمد حسینی شیرازی، تقریب القرآن الی الاذهان، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۰)، ج ۱۷، ص ۱۰۷

۸- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۷، ص ۸۳؛ سید محمد حسین طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۷۳؛ حسین احمد حسینی، ص ۳۵؛ محمدعلی دخیل، ج ۸، ص ۵؛ وهبه زحیلی، ج ۱۷، ص ۲۱۷

۹- میرزا محمد مشهدی قمی، ج ۶، ص ۵۱۳

- همه مناسک حج<sup>۱</sup>؛

- مانند حرمت است و عبارت است از مطلق هر چیزی که دارای حرمت و احترام بوده و تعلق به دین داشته باشد<sup>۲</sup>؛

- شعیره؛ آنچه حواس انسان را تحریک و وجدان انسان را بر می انگیزد و مراد از شعائر عبادات، طاعات و هرآنچه که انسان را به خدا نزدیک می کند می باشد؛

- همه عبادات که از جمله آنها اعمال و مناسک حج مثل هدی (شتر قربانی) می باشد<sup>۳</sup>؛

- حدود الهی و اوامر و نواهی سبحانی؛

- علامات منصوبه بین حل و حرم؛

- جمیع شعائر دین اسلام و احکام و حدود آن<sup>۴</sup>؛

- نشانه هایی که بوسیله آن شیئی شناخته می شود<sup>۵</sup>؛

- هرآنچه که پروردگار امر به زیارت آن و یا امر به فعلی که در آن واقع می شود نموده

است، یعنی چیز هایی که خداوند علامت دار کرده برای انسان و تثبیت و مشهور کرده آنان را

که نشانه های حج مثل کعبه، صفا، مروه، عرفه، مشعر و مانند این ها می باشد<sup>۶</sup>؛

-علائم، نشانه ها و دلائل لطیف و ظریفی که پیرامون مقامات و عظمت پروردگار درک

شود<sup>۷</sup>؛

- تمام عبادت های دسته جمعی و همه مراسم حج<sup>۸</sup>؛

- هر چیزی که از آن پروردگار تعالی است و در آن امر به اعلام و اشعار آن است و کلمه

شعار قومی در جنگ به معنی علامت آن قوم است که بوسیله آن شناخته می شوند و نیز واژه

---

۱- فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۷، ص ۸۳؛ حسین احمد حسینی، ج ۲، ص ۵۵۲؛ محمد صادقی، ج ۱۷، ص ۹۵

۲- سلطان محمد گنابادی، ج ۱۳، ص ۹۲

۳- عبد الکریم خطیب، التفسیر القرآنی بالقرآن، (بیروت، دار الفکر العربی، آبی تا)، ج ۱۸-۱۷، ص ۱۰۳۰

۴- حسین احمد حسینی، ج ۲، ص ۵۵۲

۵- فخر رازی، تفسیر فخر رازی، (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ ق)، ج ۲۳، ص ۳۳

۶- محمد بن طاهر ابن عاشور، ج ۱۷، ص ۱۸۵

۷- حسن مصطفوی، همان، ج ۶، ص ۷۶

۸- محسن قرائتی، تفسیر نور، چاپ سوم، (تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۴ ش)، ج ۸، ص ۴۱

اشعار شتر که عبارت است از زخم نیزه که در سمت راست کوهان شتر ایجاد می کنند تا از آن خون بیاید و علامتی باشد که به او شعیره و مشعوره هم می گویند و از آن اخذ شده است<sup>۱</sup>؛  
- نشانه های پروردگار که شامل سر فصل های آئین الهی و برنامه های کلی و آن چه در نخستین برخورد با این آئین چشمگیر است و از جمله آنها مناسک حج می باشد که انسان را به یاد خدا می اندازد<sup>۲</sup>؛

- مواضع حج مثل عرفه، منی و مزدلفه<sup>۳</sup>؛

- همه امور دین<sup>۴</sup> و دین خدا<sup>۵</sup>؛

- واجبات دینی که بر عظمت پروردگار شهادت می دهند مانند مناسک حج، نماز جمعه و جماعت و سایر مظاهر توحید؛

- هر چیزی که مارا به سوی خدا رهنمون می سازد<sup>۶</sup>؛

لازم به ذکر است که به نظر اکثر مفسرین مراد از شعائر، هدیه به معنی حیوان قربانی می باشد.

## ۲-۲-۲- در فقه

در کتب فقهی نیز می توان معانی و تعاریف مختصری برای این واژه یافت :

- هر آنچه در نزد خدا محترم است و از نشانه های دین است.<sup>۷</sup>

- نشانه های دین و علامت هایی که خداوند برای طاعتش نصب نموده است.<sup>۸</sup>

- نشانه های دین و علائم و آثار شریعت و عبادت های پروردگار و هر آنچه که پروردگار در آن عبادت و پرستش می شود مانند اماکن مقدسه، یا به وسیله آن عبادت می شود مانند انبیاء و ائمه(ع)، کتب آسمانی و احادیث؛ زیرا خداوند اطاعت و عبادت می شود به سبب پیروی

۱- محمد بن احمد انصاری قرطبی، ج ۱۲، ص ۵۶

۲- ناصر مکارم شیرازی، همان، ج ۱۴، ص ۹۷

۳- ابن عجبیه حسنی، ج ۴، ص ۴۱۳

۴- همان

۵- میرزا محمد مشهدی قمی، ج ۶، ص ۵۱۰

۶- سید محمد تقی مدرسی، من هدی القرآن، چاپ اول، (تهران: دار محبی الحسین (ع)، ۱۴۱۹)، ج ۸، ص ۶۰

۷- سید حسن موسوی بجنوردی، ج ۵، ص ۲۹۵

۸- احمد نراقی، عوائد الایام، چاپ اول، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.ق)، ص ۲۵